

The Role of Development-Oriented Foreign Policy on Turkey Economic Progress (2002-2017)

Ali Omidi ^{1*} – Armin Ghalamkari ²

Abstract

There is an inextricable link between foreign policy and the economic development at home and abroad. Therefore, the role of governments in achieving these mutual goals is very important and the main purpose of this research is explaining the role of the development-oriented foreign policy approach in the economic development process in Turkey. So the question is, what role did developmental foreign policy play in promoting Turkey's economic growth and development during the AKP's rule? The hypothesis of the study is that, the developmentist attitude of the AKP (2002-2017) has succeeded in creating interaction between economic development and foreign policy; and by 2023, it is seeking to make Turkey one of the top 10 economies in the world. The findings of the study indicate that Turkey stands in 13th place in the world in terms of GDP in 2017 (in terms of purchasing power parity) and it has not been achieved except by taking developmental approach in its foreign policy. As the title implies, the present article does not cover the financial crisis of Turkey in the period 2018-2019 and therefore does not cover the reasons for it. There is no doubt that the type of Turkish policy in the Syrian crisis and its political challenges with the US, Israel, Europe and Saudi Arabia have had an adverse impact on its economic development. But in overall, Turkey is a relative successful model in aligning foreign policy and economic development. This research has been done in descriptive-analytics way.

Keywords: Foreign Policy, Turkey, Justice and Development Party, Economic Development, Economic Diplomacy.

-
1. *Associate Professor of International Relations, Dpt. Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan. Iran. Corresponding Author: (aliomidi@ase.ui.ac.ir)
 2. Ph. D Candidate of International Relations, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan.



تحلیل رابطه سیاست خارجی توسعه‌گرایانه بر پیشرفت اقتصادی ترکیه (۲۰۱۷-۲۰۰۲)

علی امید^{۱*} - آرمین قلمکاری^۲

چکیده

دیپلماسی می‌تواند تلاش و ابزاری برای تسهیل اهداف و چشم‌اندازهای اقتصادی و تجاری باشد و از طرفی، اقتصاد اهرمی برای پیشبرد و اعتلای اهداف سیاست خارجی محسوب می‌شود. هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین نقش سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا، با تمرکز بر کشور ترکیه، در فرآیند توسعه اقتصادی است. لذا، این پرسش مطرح است که، سیاست خارجی توسعه‌گرایانه چه نقشی در پیشبرد توسعه و رشد اقتصادی ترکیه طی دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه داشته است؟ در پاسخ، این فرضیه به‌روش توصیفی - تحلیلی و در یک چارچوب مفهومی مفصل‌بندی شده ششوجهی مورد ارزیابی قرار گرفته است. دولت توسعه‌گرای حزب عدالت و توسعه در دوران حاکمیت خود توانسته است بین توسعه اقتصادی و سیاست خارجی تعامل برقرار کند و در صدد است تا سال ۲۰۲۳ ترکیه را به ۱۰ کشور برتر اقتصاد جهان تبدیل نماید. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ترکیه در سال ۲۰۱۷ در جایگاه سیزدهمین کشور جهان از جهت تولید ناخالص ملی (برحسب قدرت برابری خرید) ایستاده است. این مهم حاصل نشده است مگر از طریق ریل‌گذاری سیاست خارجی برای توسعه. همان‌طور که از عنوان برمی‌آید مقاله حاضر بحران اقتصادی ۲۰۱۹-۲۰۱۸ ترکیه را پوشش نمی‌دهد و در نتیجه دلایل آن را نمی‌کاود. شکی نیست نوع سیاست ترکیه در بحران سوریه و چالش‌های سیاسی این کشور با آمریکا، اسرائیل، اروپا و عربستان و مصر تأثیر معکوس در توسعه اقتصادی این کشور داشته است. ولی در مجموع، ترکیه مدل نسبتاً موفق در همسویی سیاست خارجی و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، ترکیه، حزب عدالت و توسعه، توسعه اقتصادی، دیپلماسی اقتصادی.

۱. *دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول: aliomidi@ase.ui.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، اصفهان، ایران.

مقدمه

امروزه کشورهای توسعه‌گرا در پی طراحی نوعی از سیاست خارجی هستند که برون‌داد آن رونق و رفاه اقتصادی داخلی است. استفاده از همه ظرفیت‌های سیاسی و دیپلماتیک به‌منظور خلق بازارهای جدید برای تولیدات در دستورکار دست اندرکاران سیاست خارجی دولت‌های توسعه‌گرا قرار می‌گیرد. (Baranay. 2009: 2). در کنار توجه به نقش دولت توسعه‌گرا، برخی چون آمسدن^۱ (۲۰۰۱) برای ارتقای جایگاه اقتصادی دول، عمدتاً سیاست‌های لیبرال را برای توسعه تجویز کرده و برخی مانند والرشتاین و جیوانی اریقی معتقدند برای غلبه بر شکاف میان مرکز و پیرامون (و شبه‌پیرامون) به دولتی نیرومند نیاز است. (Arrighi. 1985 & Wallerstein. 1998). ولی همگی اتفاق نظر دارند که در جهان امروز نه تنها کشورهای توسعه‌یافته بلکه بسیاری از ممالک در حال توسعه نیز از سیاست خارجی و فن دیپلماسی برای پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی خود بهره می‌برند. قرار گرفتن در جایگاه خاص نظام بین‌الملل و حضور در یکی از قسمت‌های مرکز، پیرامون و حاشیه و تن‌دادن به توسعه‌ملی رابطه‌ای تنگاتنگ با اقتصاد جهانی دارد که در آن برخی جایگاه‌ها پویاتر و مفیدترند. دولت‌ها هر چه بیشتر که در تحول اقتصادی دخالت کنند بیشتر به نظام بین‌المللی به‌چشم نوعی نظام تقسیم کار می‌نگرند (اوانز، ۱۳۸۲: ۳۸-۴۰). یک نکته اساسی در این مورد بسیار اهمیت دارد که بر خلاف دولت قوی در استراتژی اقتصاد آزاد بین‌المللی که در آن با موانع چندانی روبرو نمی‌شود، یک دولت ضعیف که می‌خواهد به اراده خویش در این نظام مشارکت جوید، ممکن است مجبور به باج دادن کشورهای اثرگذار و جلب حمایت رهبران اقتصادی و سیاسی آنها شود. (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۸۷: ۱۲).

در این میان، تحقیق و جستجو در مورد نحوه ارتباط سیاست خارجی و ملاحظات توسعه اقتصادی در کشور ترکیه، پیوند مذکور را به‌روشنی نشان می‌دهد. وضعیت اقتصادی ترکیه در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه چنان متحول شد که با ایجاد اصلاحات در سیستم ارزی در بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵، ارزش پول خود را ارتقاء بخشید و با ایجاد حمایت‌ها از بخش‌های متعدد اقتصاد داخلی و افزایش تولید ناخالص داخلی، حجم بدهی‌های ترکیه را به نازل‌ترین سطح برساند. ترکیه در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ در جایگاه سیزدهمین کشور جهان از جهت تولید ناخالص ملی (برحسب قدرت برابری خرید) و

1. Alice Hoffenberg Amsden

هفدهمین کشور جهان از جهت تولید ناخالص ملی (اسمی) ایستاده است. همچنین حجم تولید ناخالص ملی این کشور از ۱۹۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹ به ۱۹۰۷ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۷ ارتقا پیدا کرده است. ترکیه قرار است طبق برنامه چشم‌انداز تا سال ۲۰۲۳ به دهمین کشور اقتصادی جهان تبدیل شود. این قضیه، ایده ارتباط هم‌سو بین سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی و رشد و توسعه اقتصادی این کشور را تقویت می‌کند. بر این اساس، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که چگونه سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی ترکیه بستر ساز توسعه اقتصادی آن در آغاز هزاره سوم بوده است. سیاست خارجی در این مقاله به معنای جهت‌گیری کلی و نگاه یک دولت به روابط بین‌المللی است و طبعاً معنای عام آن مد نظر است. بدیهی است که در فرایند توسعه اقتصادی، عوامل سیاست‌گذارانه-نهادی بسیاری نقش دارند که سیاست خارجی یکی از آنهاست.

۱- مبانی نظری

۱-۱- دولت توسعه‌گرا و تحول در توسعه و اقتصاد سیاسی

شکست برخی دولت‌های آفریقایی، آمریکای لاتین و بعضاً آسیایی در پیشبرد توسعه اقتصادی، برخی نظریه‌پردازان را به این ایده سوق داده است که صرف پارامترهای اقتصادی، درست آنچه که نظریات اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک توصیه می‌کنند، قادر به راه انداختن موتور توسعه نیستند بلکه در کنار آن نهادهای سیاسی، حقوقی، فرهنگی و اقتصادی نیز در کارآمدی و موفقیت برنامه توسعه موثر هستند و چه بسا ممکن است اثرش بیشتر از پارامترهای اقتصادی باشد. عوامل نهادی نظیر قوانین اقتصادی، سیاست‌های دولت اعم از داخلی و خارجی، نظام‌های حقوقی و غیره شکل‌دهنده محیط‌های اقتصادی برای تولید و تجارت و مالاً توسعه اقتصادی هستند. مکتبی که در علم اقتصاد بر اهمیت نهادها تأکید دارد اقتصاد نهادگرا نامیده می‌شود. از نظر این مکتب، اگر زیرساخت‌های سیاسی، حقوقی و فرهنگی، سرمایه‌گذاری و تولید را تشویق کند موجبات توسعه و پیشرفت اقتصادی را فراهم شود. عواملی نظیر بی‌ثباتی سیاسی داخلی و خارجی، همسوی بودن سیاست خارجی برای توسعه اقتصادی، سلب مالکیت، فساد اقتصادی و اداری، انحصار، ناامنی، شرایط سرمایه‌گذاری و تولید را شدیداً کاهش داده و موجب افت بهره‌وری عوامل تولید می‌شود (آذرمن، ۱۳۸۵: ۱۱۹-۱۲۱). رابطه نهاد و توسعه در مطالعات میدانی مختلف از جمله «ویجایاراقوان و

وارد» (۲۰۰۱) و «ایشر و شریبر» (۲۰۱۰) به اثبات رسید. نظریه دولت توسعه‌گرا، یعنی دولتی که تأمین زیرساخت‌های سیاسی-حقوقی توسعه اقتصادی را در کنار امنیت، از وظایف اصلی خود می‌داند در زیرمجموعه اقتصاد نهادگرا قرار می‌گیرد. در حال حاضر رویکرد نهادگرایی جدید، خواهان افزایش حضور مؤثر دولت جهت شکل‌دهی و حمایت از نهادهای اجتماعی و اقتصادی باشند. (کیوانی امینه، ۱۳۸۵: ۹۸). پس یکی از وظایف اصلی دولت توسعه‌گرا، هدایت سیاست خارجی در راستای توسعه اقتصادی است. اوانز در کتاب *توسعه و چپاول* معتقد است که پس از بحران‌های عظیم اقتصادی نمی‌توان نقش دولت را نادیده گرفت و اهرم حرکت را در دستان توانای دولت توسعه‌گرا می‌داند. وی سپس به تقسیم‌بندی دولت‌ها به سه دسته یغماگر، میانه و توسعه‌گرا می‌پردازد که هر کدام نقش‌ها و بخش‌های متفاوتی دارند که حتی در دولت‌های میانه این نقش‌ها نیز گاه متفاوت هستند. از این منظر، دولت باید دارای انعطاف بسیار باشد و همزمان از بخشی و نقشی به بخش و نقش دیگر برود. (حسنوند و همکاران، ۷-۹).

عجم‌اغلو و رابینسون (۱۳۹۸) با در نظر گرفتن نقش دولت و نخبگان، در اثر شاخص *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند* معتقدند عامل سیاست بیشترین تأثیر را در مقایسه با تفاوت‌های جغرافیایی و فرهنگی در توسعه‌یافتگی یا عقب‌ماندگی ملت‌ها دارد. آنها توسعه اقتصادی را بر توسعه سیاسی ترجیح داده و معتقدند که ثبات و پایداری توسعه اقتصادی بر پایه‌ی نهادها و بسترهای اقتصادی است. به عبارتی باید گفت، بدون وجود زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در سطوح مختلف نمی‌توان توسعه اقتصادی را نهادینه کرد. بر پایه‌ی بسترها و زمینه‌های فراگیر اقتصادی داخلی است که مجریان سیاست خارجی می‌توانند در سیاست‌ها قدرت فزاینده‌ای داشته باشند و دولت‌ها نقش اساسی را در فراهم کردن این بسترها دارند.

از منظر دولت توسعه‌گرا چند عامل اساسی که با سیاست خارجی یک کشور پیوند دارد و منجر به موفقیت اقتصادی می‌شود که عبارتند از: افزایش تجارت خارجی، جذب سرمایه خارجی و گسترش پیمانکاری خارجی، توافقات تجارت آزاد و ترجیحی، رابطه هماهنگ با همه، تعامل مثبت با نهادهای اقتصادی بین‌المللی و نهایتاً، ایجاد تصویر مثبت. قطعاً عوامل مذکور حصری نیستند و به این فهرست می‌توان متغیرهای بیشتری افزود ولی در این مقاله بیشتر بر آنها تأکید می‌شود.

در جدول ذیل مشخصه‌های هر یک از شاخص‌ها آمده است:

جدول شماره ۱: شاخص‌های شش‌گانه دیپلماسی اقتصادی

مشخصه‌ها	مولفه‌های سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا
<p>بین سیاست خارجی کارآمد، اقتصاد قدرتمند و تجارت خارجی قدرتمند همبستگی مثبت وجود دارد.</p> <p>برخی مانند گرشن فدر^۱ اعتقاد دارند که، تاثیر صادرات بر رشد اقتصادی فقط محدود به افزایش تولید ناخالص داخلی^۲ نمی‌شود؛ چرا که مشارکت بیشتر رهبران دولتی و حکومتی در سیاست خارجی کشورهای شان و توجه ویژه آنها به تجارت و اقتصاد (نظیر کنونی دونالد ترامپ) باعث شده است تا بسیاری از تحلیل‌گران این دسته از رهبران را با فروشندگان مقایسه کنند. (Feder. 1982).</p>	<p>افزایش تجارت خارجی</p>
<p>- سرمایه‌گذاری برون مرزی و صادرات خدمات فنی-مهندسی و پیمانکاری خارجی، غیر از اینکه زمینه‌ساز قدرت‌نرم کشور صادر کننده است بلکه باعث وابستگی متقابل بلند مدت و خلق ثروت ملی خواهد شد.</p> <p>- کشورهای تازه صنعتی فقط به جذب سرمایه‌گذاری خارجی مبادرت نکرده بلکه با انتقال سرمایه به خارج و اقدام به پیمانکاری خارجی، نهایتاً به تقویت تجارت خارجی یک کشور مبادرت می‌نمایند. این کار به خلق بازارهای جدید و اعمال قدرت‌نرم در کشورهای هدف می‌گردد.</p>	<p>جذب سرمایه خارجی و گسترش پیمانکاری</p>
<p>-منظور توافقاتی است که بین کشورهایی که لزوماً در یک منطقه جغرافیایی نیز قرار ندارند، منعقد شده و شامل اقداماتی از جانب دولت‌ها می‌باشد که جهت تسهیل تجارت از طریق موافقتنامه‌های تجارت آزاد یا اتحادیه‌های گمرکی صورت می‌گیرد.</p> <p>-تلاش بر این است که شرایط سیستماتیکی برای استراتژی توسعه ملی از طریق چانه زنی‌ها و مذاکرات تجاری بین‌المللی از طریق توافقات تجارت آزاد و ترجیحی حاصل شود.</p>	<p>توافقات تجارت آزاد و ترجیحی</p>

1. Gershon Feder
2. gross domestic product

مشخصه‌ها	مولفه‌های سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا
<p>-سیاست خارجی یک کشور همانند یک تاجر بتواند با همه مشتری‌های بالقوه رابطه برقرار کند و استراتژی کنشگر موفق این است که جذب سرمایه بیشتر را جدا از علاقه شخصی به دست آورد.</p> <p>-این راهبرد تلاش داشته که با همه بازارهای بالقوه و دولت‌های مربوطه تعامل مثبت برقرار نماید. به‌عنوان نمونه، مهمترین رقیب یا حتی دشمن سیاسی چین در جهان آمریکاست. ولی پکن در سال ۲۰۱۷ حدود ۶۳۶ میلیارد دلار با آمریکا مبادله تجاری کالا داشته است.</p>	<p>رابطه هماهنگ با همه</p>
<p>-یک دولت از منابع و دستورالعمل‌های نهادهای تجاری و مالی بین‌المللی در راستای چشم‌انداز تجاری و اقتصادی خود بهره برداری نماید. جدا از استقلال تصمیم‌گیری و دارا بودن قدرت سیاسی، تعامل سازنده با این نهادها بسیار کارانداز است.</p> <p>-نهادهایی چون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از هم جهت مالی و هم از جهت کارشناسی می‌توانند موتور توسعه یک کشور را راه بیندازند. دولت‌ها در این راستا تلاش کرده در تصمیمات این نهادها در راستای منافع خود نفوذ کنند و این میسر نمی‌شود جز با تعامل مستمر با این نهادها.</p>	<p>تعامل مثبت با نهادهای اقتصادی بین‌المللی</p>
<p>-طبقه بندی کشورها در مقولات مثبت و منفی تحت عنوان تصویر^۱ یا ذهنیت^۲ در روابط بین‌الملل مورد مطالعه قرار می‌گیرد. هر تصویر شامل اطلاعات شناختی از کشور دیگر در این زمینه‌ها می‌شود: فرهنگ، توانایی (نظامی، اقتصادی)، امنیت، دمکراسی و غیره.</p> <p>-براساس نوع تصویر ارائه شده توسط کنشگران از خود و دیگران به تعامل با آن می‌پردازند. این تصاویر عموماً طی یک فرایند زمانی طولانی در ذهن افراد و رهبران شکل گرفته و افراد در مواجهه با موقعیت‌ها تنها از تصاویر و طرح‌واره‌های قبلا ساخته شده برای تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند.</p> <p>-این شاخص در زمره دیپلماسی اقتصادی رسمی قرار نمی‌گیرد بلکه به‌صورت غیر مستقیم در بازارهای هدف تاثیر مثبت می‌گذارد و عملاً نقش دیپلماسی اقتصادی غیر رسمی ایفا می‌کند.</p>	<p>ایجاد تصویر مثبت</p>

1. image
2. mentality

در توضیح بیشتر در ارتباط با برخی از شاخص‌های فوق باید گفت، رشد تجارت نه تنها منجر به افزایش کمی صادرات کشورها می‌شود؛ بلکه بر کیفیت آنها نیز می‌افزاید. (لفت‌ویچ، ۱۳۸۷: ۵). سیاست جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پیمانکاری خارجی مشمول دو موضوع خواهد بود: «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی»^۱ که معمولاً در مراحل اولیه فرایند توسعه که کشورها از کمبود شدید منابع مالی و ضعف تکنولوژیک رنج می‌برند بسیار حایز اهمیت است. در این ارتباط، «لوی» می‌گوید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌طور بالقوه هم برای سرمایه‌گذار و هم برای کشور پذیرنده سودمند است. در عین حال، طرف ضعیف‌تر که همان گیرنده سرمایه است باید مراقب باشد تا تضمین شود که انتقال سرمایه با انتقال فناوری همراه باشد؛ زیرا دومی برای توسعه حیاتی است (Loy, 2013).

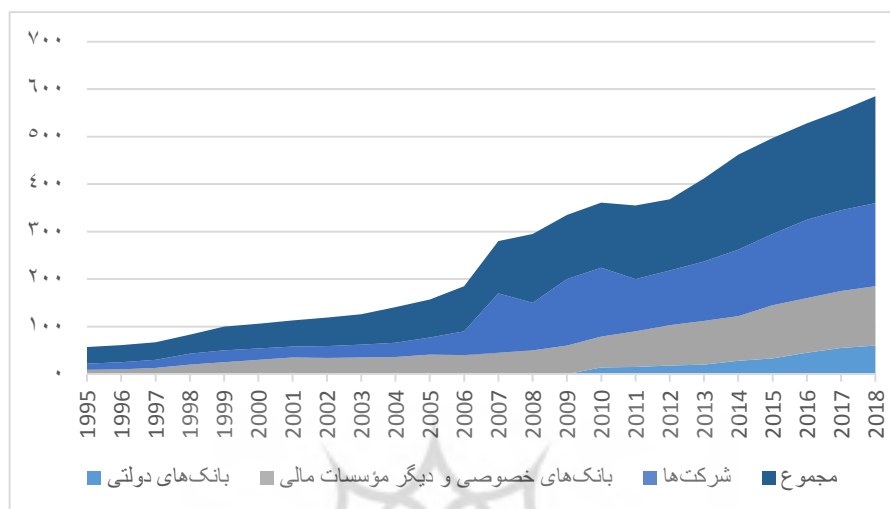
آمسدن (۲۰۰۱) یک‌سری از راهبردهای رشد اقتصادی را در آسیا برمی‌شمارد که باعث تولید کالاهای با ارزش افزوده زیاد، افزایش رقابت‌پذیری بین‌المللی و پرهیز از فشارهای کشورهای شمال برای لیبرالیزه کردن می‌گردد؛ به‌نحوی که از صنایع نوپا و روش‌های عادلانه‌تر اقتصادی و تجاری در سطح بین‌المللی حمایت به عمل می‌آید. بر این اساس کسانی چون کومار و کوربریج، مؤلفه‌هایی چون افزایش درآمد، رشد سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی و افزایش اشتغال را از ویژگی‌های نقش دولت در استراتژی‌های رشد و توسعه محسوب می‌کنند و به‌شدت به‌وجود دولتی قدرتمند و توسعه‌گرا برای تحول در عرصه اقتصادی تأکید دارند. (Kumar & Corbridge, 2002: 75-77). برخی نیز معتقدند، هر چه کشوری عقب‌مانده‌تر باشد نیازش به نقش دولت در ارتقای سطح توسعه بیشتر خواهد بود. (Gerschenkron, 1961).

با توضیحات فوق درباره نقش دولت توسعه‌گرا و اینکه سیاست خارجی از طریق چه نوع دیپلماسی اقتصادی می‌تواند به استراتژی توسعه و رونق اقتصادی کمک برساند، این چارچوب نظری را برای کشور ترکیه، به‌عنوان یکی از کشورهای نسبتاً موفق در بوتۀ نقد و تحلیل قرار می‌دهیم. اقداماتی شامل افزایش استقلال نهادها در سیاست‌گذاری پولی، واگذاری شرکت‌های بزرگ دولتی به بخش خصوصی، اصلاحات نهادی با هدف افزایش نقش بازار در اقتصاد، بازسازی ساختار بانک‌های دولتی، کاهش بار بخش عمومی در اقتصاد، افزایش استقلال بانک مرکزی، ایجاد مزیت‌های نسبی در عرصه تجارت، بانکداری و خدمات عمومی و ایجاد دانش و تکنولوژی روز برای ایجاد درآمدهای

1. Foreign Direct Investment (FDI)

بیشتر و هدف‌گذاری برای کاهش نرخ تورم به رهبری کمال درویش، توانست اقتصاد بیمار ترکیه را به یکی از پرشتاب‌ترین اقتصادها در دالان توسعه تبدیل کند. افزایش ۲/۳ برابری تولید ناخالص داخلی سرانه، کاهش تورم از بیش از ۷۰ درصد به حدود ۷ درصد، کاهش ۲ درصدی نرخ بیکاری و افزایش انعطاف نظام مالی ترکیه در برابر بحران‌های مالی، تنها بخشی از میراث این دوران توسعه سریع در اقتصاد ترکیه بود (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶).

لازم به ذکر است که ترکیه دارای آسیب‌پذیرهای در دو سطح داخلی (تشدید تعارضات هویتی) و خارجی (افزایش تقابل با ایالات‌متحده و برخی اعضای اتحادیه اروپا) است و صرفاً نمی‌توان همه شاخص‌های دولت توسعه‌گرا را در مورد آن به کار بست و باید تعدیلات و تقلیل‌های آن را مدنظر قرار داد. از منظر اقتصادی نیز برخی توسعه ترکیه را توسعه‌ای وابسته دانسته و کماکان این کشور در برخی شاخص‌ها مانند نسبت صادرات و واردات آسیب‌پذیر است. در این راستا، دوغو پرینچک^۱ رهبر حزب وطن ترکیه معتقد است که، بین سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵، یعنی در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه بدهی خارجی ترکیه ۳/۵ برابر افزایش یافته است و دولت کنونی ترکیه برای حفظ اقتدار خود، بیش از ۶۰ میلیارد دلار املاک و موسسات عمومی و دولتی را به بخش خصوصی فروخته تا از مشکلات عدیده‌ای که به وجود آمده، رهایی یابد (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۷). طبق آمارهای خزانه داری ترکیه، کل بدهی خارجی بانک‌ها و موسسات دولتی و خصوصی از حدود ۱۱۰ میلیارد دلار ۲۰۰۲ به بیش از ۴۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسیده است (نمودار شماره ۱). همچنین این کشور از کسری تجاری مزمن رنج می‌برد که هر چند روند کاهنده دارد ولی در سال ۲۰۱۸ عدد ۵۵ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۷ عدد ۷۶/۸ میلیارد دلار برآورد گردید (hurriyetaidailynews. 2019).



Source: Turkish Treasury/Haver Analytics.

نمودار شماره ۱: روند افزایشی بدهی خارجی ترکیه در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه

از سوی دیگر، فرایند سیاست خارجی ترکیه در سوریه و در مقطعی با آمریکا، اروپا، عربستان، مصر، روسیه و ایران به گونه‌ای بوده است که لزوماً نمی‌توان گفت به شکل پایداری در چارچوب رویکردهای دولت توسعه‌گرا عمل کرده است. با این اوصاف نگارندگان تلاش داشته‌اند مؤلفه‌ها و مشخصه‌های سیاست اقتصادی و خارجی ترکیه را به گونه‌ای تشریح کنند که آسیب‌های مذکور را لحاظ کند.

۲- موضوعیت بحث ترکیه

در طی دوران جنگ سرد که ترکیه هم‌پیمان بلوک سرمایه‌داری بود، توسعه [اقتصادی] عمدتاً در ذیل دستورکارهایی قرار داشت که ریشه در مقتضیات نظام دوقطبی داشت. بر عهده گرفتن نقش‌های عمده استراتژیک در مقابل فشارهای بلوک سوسیالیستی باعث شکل‌گیری محدودیت‌ها و محذوراتی برای سیاست خارجی و در طول آن سیاست‌های اقتصادی ترکیه شد (Altunisik & Tur, 2005). برای چندین دهه، دروازه‌های اقتصادی بلوک متصل به شوروی سابق برای ترکیه تا حد زیادی براساس صف‌کشی‌های ناشی از فضای متخاصم دوقطبی تعریف می‌شد. براین اساس، ترکیه از فرصت‌های اقتصادی بسیاری در آسیای میانه و قفقاز را از دست داد.

از دهه ۱۹۸۰ دولت ترکیه یک دسته اصلاحات را برای انجام تغییر و تحول در سیاست خود از «جایگزینی واردات»^۱ به استراتژی «رشد نیل به صادرات»^۲ آغاز کرد و حساب‌های سرمایه خود را در سال ۱۹۸۹ آزاد کرد و گامی مهم در جهت ادغام اقتصاد خود با سیستم اقتصادی جهانی برداشت؛ اما تحقق آزادسازی مالی، مشکلات اصلی اقتصاد ترکیه را آن‌گونه که انتظار می‌رفت، حل نکرد (Alici, 2003: 2-10). فضای سیاسی ترکیه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بیش از هر چیز درگیر تعارضات هویتی بین سکولارها، ملی‌گراها و اسلام‌گراها بود و در نتیجه فعالیت و نفوذ گسترده اسلام‌گرایان، حزب عدالت و توسعه^۳ توانست با کسب بیش از ۴۹ درصد از آرا در سال ۲۰۰۲ به قدرت برسد (Onis, 2012: 137). این حزب عمدتاً سیاست‌های اقتصادی چندبُعدی و چندجانبه را در دستور کار سیاست خارجی قرار داد و توانست وضعیت اقتصادی ترکیه را در طی دوران حاکمیت خود متحول کند.

رشد دارایی‌های دولت در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه، ترکیه را قادر ساخت تا سیاست خارجی فعالانه را با سرمایه‌گذاری در بازسازی اقتصادی، اجتماعی و نظامی مناطق مجاور از طریق توسعه و کمک نظامی تعقیب کند (Kardas, 2010: 120). این حزب بلافاصله دست به اجرای برنامه‌ای زد که به «نئولیبرالیسم پس از اجماع واشنگتن» معروف است (Bank & Karadag, 2012). یکی از مهمترین کارهایی که این حزب توسط تئوریسین خود احمد داوود اوغلو دست زد، تعریف سند چشم‌انداز تا سال ۲۰۲۳ و تلاش برای قرار گرفتن ترکیه در رده ۱۰ اقتصاد برتر جهان بود. حزب حاکم همچنین با تعریف جدید از هویت ترکیه به‌عنوان یک مجموعه هم‌ساز با هویت‌های غربی، شرقی، شمال و جنوب مبادرت کرده است. به‌طور کلی، مهم‌ترین کنش‌های رفتاری حزب عدالت و توسعه در عرصه سیاست خارجی را در جدول ذیل نمایش می‌دهیم:

1. import substitution industrialisation
2. Export Led Growth (ELG)

۳- به ترکی Adalet ve Kalkınma Partisi که در اصل جزو احزاب راست‌گرا و میانه‌می‌باشد.

جدول شماره ۲: الگوهای حاکم بر سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در مناطق مختلف

کشورها و مناطق	الگوی حاکم بر سیاست خارجی
خاورمیانه	سیاست همکاری اقتصادی در کنار همکاری و تنش سیاسی
اتحادیه اروپا	نگاه راهبردی بر مبنای صلح متقابل
ایالات متحده	روابط بر پایه درک مشترک و تحت تاثیر شرایط نوین
آسیای مرکزی	حضور حداکثری بر پایه همبستگی فرهنگی
روسیه	دیالکتیک همکاری و رقابت

منبع: یافته‌های نگارندگان

طبق طبق سند چشم‌انداز راهبردی ترکیه تا سال ۲۰۲۳ قرار است، ترکیه از رتبه هفدهم اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۳ تبدیل به ۱۰ اقتصاد برتر جهان با تولید ناخالص حدود دو تریلیون دلار در سال ۲۰۲۳ دست یابد و تولید سرانه آن به ۲۵ هزار دلار، حجم صادرات آن به ۵۰۰ میلیارد دلار و حجم تجارت خارجی آن به ۱۰۰۰ میلیارد دلار برسد که در جدول شماره ۳ آمده است:

جدول شماره ۳: اهداف عمده اقتصادی سند چشم‌انداز ترکیه در مقایسه با وضعیت سال‌های قبل

شاخص	سال	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۲۰۱۶	۲۰۲۳
تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)		۱۵۰/۶	۲۳۸/۴	۸۳۶/۷	۲۰۰۰
درآمد سرانه (دلار)		۲۳۲۵	۲۹۴۰	۹۰۶۴	۲۵۰۰۰
صادرات کالا (میلیارد دلار)		۱۲/۹	۳۶	۱۴۲/۵	۵۰۰
حجم تجارت خارجی (میلیارد دلار)		۴۵	۱۱۳	۴۰۳	۱۰۰۰

Source: World Bank 2017

این استراتژی به وضوح نشان می‌دهد که استفاده از خطوط اقدام شش‌گانه در سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی توسط دولت‌مردان حزب عدالت و توسعه، موجب بهتر شدن شاخص‌های عمده اقتصادی در ترکیه بخصوص تولید ناخالص ملی از ۱۵۰ میلیارد دلار ۱۹۹۰ به ۸۳۶ میلیارد دلار ۲۰۱۶ برای رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز شده است. در ادامه برای تبیین بحث، خطوط اقدام شش‌گانه در دیپلماسی اقتصادی ترکیه به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. رشد تجارت مبتنی بر استراتژی توسعه صادرات

مقدمتاً باید گفت که راهبرد مذکور بیش از هر چیز ناشی از دو عامل اساسی است که عبارتند از: سیاست‌گذاری‌های داخلی و نقش کنشگران اقتصادی. سیاست خارجی بیشتر نقش تسهیل‌کننده آن را ایفا می‌کند. از دهه ۱۹۸۰ به این سو، به مرور بازیگران اقتصادی متعددی شکل گرفتند و توانستند در طی دو دهه جای خود را در اقتصاد ترکیه پیدا کنند.

در سال ۱۹۸۰، ترکیه استراتژی «جایگزینی واردات» خود را به نفع یک استراتژی «رشد صادرات محور» رها کرد که، هدف آن حفاظت از صنایع داخلی در پشت موانع تعرفه بالا بود. در سال ۱۹۹۶، توافقنامه «اتحادیه گمرکی»^۱ با اتحادیه اروپا منعقد شد و شبکه‌ای از توافقات تجاری آزاد برای تحکیم این انتقال را گسترش داد. در نتیجه، رشد تجارت منجر به تبدیل ترکیه به یک اقتصاد بازار آزاد و گنجاندن احتمالی آن در گروه بازارهای در حال ظهور گردید. این استراتژی بر اساس مفهوم نظریه «کشور تجاری»^۲ بود که نخستین بار توسط «ریچارد روز کرانس» معرفی شد (Rosecrance, 1986).

در طی چهار دهه اخیر، مجالس ترکیه با وجود اختلاف‌های گفتمانی، در تصمیمات خود به گونه‌ای عمل کرده تا منافع آن‌ها را در سیاست‌های داخلی و خارجی به نحوی تأمین کند. بنابراین، کنشگران اقتصادی جایگاه قابل توجهی در سیاست خارجی ترکیه به دست آورده و در راهبردها و رویکردهای مختلف عمدتاً به گونه‌ای عمل می‌شود که محذوراتی برای آنها به وجود نیاید. مصادیق این موضوع را می‌توان تداوم تعامل بین کنشگران اقتصادی ترکیه با هم‌تایان کردهای عراق، اسرائیل، مصر و عربستان در طی دوره‌های بحرانی شدن روابط بین آن‌ها مشاهده کرد. مثلاً در سال ۲۰۱۷ طبق آمار وزارت بازرگانی ترکیه، حجم روابط تجاری مصر و ترکیه بالغ بر ۴/۴۳ میلیارد دلار بود. یا حجم روابط تجاری ترکیه و عربستان در سال ۲۰۱۸ حدود ۵ میلیارد دلار ثبت گردید. (trade.gov.tr: 2019) این عامل باعث شده که برخی عامل اقتصادی را یکی از مهم‌ترین عناصر تعیین‌بخش سیاست خارجی ترکیه لحاظ کنند.

سیاست‌های اقتصادی حزب عدالت و توسعه با استراتژی رشد تجارت مبتنی بر توسعه صادرات در تعامل بودند که برخی از آنها عبارتند از: سرمایه‌گذاری در تولید ملی، فعال‌سازی گسترده تجار داخلی و حمایت گسترده از آنها، ایجاد تعامل بین نظام بانکی و

1. Customs Union
2. trading country

شرکت‌های تجاری، تصویب قوانین مختلف برای تسهیل امور تجاری و همسویی پارلمان با نخبگان اقتصادی (مانند همراهی پارلمان با کمال درویش در سال ۲۰۰۱) و نهایتاً تعامل بین دو بخش اقتصاد و سیاست در عرصه دیپلماسی. از اینرو، از سال ۲۰۰۳ هویت جدید ترکیه به‌عنوان یک کشور تجاری گرایش و سمت‌گیری داشته که در پیوند با توسعه اقتصادی و ادغام با اقتصاد جهانی تعریف شده است. وزارت خارجه ترکیه نیز به‌منظور رشد صادرات، فعالیت‌هایش را به دو بخش تقسیم کرد. نخست، روابط دو سویه تجاری یا «قرارداد تعرفه ترجیحی»^۱ - که ظرف چند سال اخیر با بسیاری از دول از جمله ایران فعال شده است. این روابط تحت هدایت یکی از دفاتر یا نهادهای فرعی وزارت خارجه است و به‌ویژه مسئول برنامه‌ریزی روابط دوجانبه با یک منطقه، کشور یا بلوک است. دوم، معاونت امور اقتصادی وزارت خارجه که به برنامه‌های وسیع‌تر دو جانبه تجاری و اهداف تجاری ترکیه در نشست‌های چندجانبه می‌پردازد (Sonmez, McDonald & Perraton. 2007).

از همین‌رو تولید ناخالص ملی ترکیه از ۱۹۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹ به ۶۴۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ افزایش یافت و ترکیه در آن سال (۲۰۰۹) به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد رو به رشد جهان معرفی شد. در همین مقطع زمانی، درآمد سرانه از ۳۰۰۰ دلار به ۹۰۰۰ دلار در سال افزایش یافت. سهم درآمد ملی ناشی از تجارت از ۳۸ درصد به ۴۸ درصد افزایش، و صادرات به میزان قابل توجهی از ۲۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۱۳۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ سیر صعودی به خود دید و روابط تجاری و سرمایه‌گذاری ترکیه با کشورهای هم‌مرز و با کشورهای دیگر از کم‌تر از ۱۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۵۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ رسید (Ulgen. 2010: 9-10). به‌همین جهت سازمان‌های منطقه‌ای اهمیت ویژه‌ای یافتند و «اکو» و «سازمان همکاری‌های اقتصادی دریای سیاه» و سایر مجامع، به ابزار مهمی برای بسط فعالیت‌های ثمربخش تجاری ترکیه بدل شدند.

بر اساس همین سیاست خارجی توسعه‌محور است که طبق داده‌های مرکز آمار ترکیه و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، اقتصاد ترکیه سال ۲۰۱۷ را با رشد ۷,۴ درصدی به پایان رسانده است (خبرگزاری آناتولی، ۲۹ مارس ۲۰۱۷). استراتژی مبتنی بر توسعه صادرات در ترکیه موجب گشته تا تجارت خارجی، نسبت به گذشته، سهم عمده در تولید ناخالص ملی ترکیه پیدا کند. در سال ۱۹۷۵، تجارت خارجی تنها ۹ درصد از

1. Preferential Tariffs

GDP ترکیه رو به خود اختصاص داده بود ولی این رقم به ۵۰ درصد در سال ۲۰۱۲ افزایش پیدا کرد. به عبارتی دیگر، می‌توان گفت حجم تجارت خارجی ترکیه از ۶,۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۵، به ۳۸۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ افزایش یافت و این کشور از رتبه ۲۰ در سال ۱۹۷۵ به رتبه ۱۷ در سال ۲۰۱۲ رسیده است (جدول شماره ۴) و اتحادیه اروپا و همسایگان ترکیه شریک عمده تجاری ترکیه بوده‌اند (Kirisci, 2013).

جدول شماره ۴: رشد اقتصادی در ترکیه از منظر استراتژی توسعه صادرات، بر مبنای حجم صادرات و واردات، طی سال‌های ۱۹۷۵، ۱۹۸۵، ۱۹۹۵، ۲۰۰۵ و ۲۰۱۲ (مبنای میلیارد دلار)

ترکیه	۱۹۷۵	۱۹۸۵	۱۹۹۵	۲۰۰۵	۲۰۱۲
صادرات	۱/۴	۷/۹	۲۱/۶	۷۳	۱۵۲
واردات	۴/۷	۱۱/۳	۳۵/۷	۱۱۷	۲۳۷
کل تجارت	۶/۱	۱۹/۳	۵۷/۳	۱۹۰	۳۸۹
تولید ناخالص داخلی	۴۵	۶۷	۱۶۹	۴۸۳	۷۸۹
تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر	۱/۱۳۹	۱/۳۶۷	۲/۸۹۶	۷/۱۳۰	۱۰/۶۶۶
تولید ناخالص داخلی از لحاظ رتبه‌بندی	۲۰	۲۵	۲۴	۱۷	۱۷
میزان درصد تجارت خارجی نسبت به تولید ناخالص داخلی	۹	۲۹	۳۴	۳۹	۵۰

Source: World Bank Report, 2013

بر همین اساس میزان حجم تجارت ترکیه با کشورهای مختلف در طی دو دهه اخیر بیانگر آنست که نخست، حجم تجارت در مناطق مختلف رو به افزایش بوده است. دوم، این حجم در برخی مناطق با توجه به اهداف دیپلماسی اقتصادی حزب عدالت و توسعه بیشتر بوده است (جدول شماره ۵). لذا باید گفت که نخبگان حزب عدالت و توسعه به این تفکر دست یافته‌اند که برای رسیدن به قدرت منطقه‌ای باید دیپلماسی اقتصادی چندجانبه‌ای را با کنشگران پیرامونی به کار گیرند.

جدول شماره ۵: افزایش حجم تجارت ترکیه با کشورهای مختلف جهان طی سال‌های ۱۹۹۲، ۲۰۰۲ و ۲۰۱۲ (بر مبنای میلیون دلار)

ترکیه	۱۹۹۲			۲۰۰۲			۲۰۱۲				
	صادرات	واردات	کل	درصد	صادرات	واردات	کل	درصد	صادرات	واردات	کل
اتحاد اروپا	۷/۶۰۰	۱۰/۴۹	۱۶۴۹	%۴۷	۱۸	۲۳	۴۱	%۴۸	۵۹/۲۰۱	۸۷/۴۴۸	۱۴۶/۶۴۹
آمریکا	۸۶۵	۲/۶۰۰	۳/۴۶۵	%۹	۳/۳۵۶	۳/۰۹۹	۶/۴۵۵	%۷	۵/۶۰۴	۱۴/۱۳۰	۱۹/۷۳۴
همسایگان خاورمیانه	۱/۸۶۶	۲/۱۶۲	۴/۰۲۸	%۱۱	۳/۹۹۸	۷/۰۸	۱۱/۸۰۶	%۱۳	۳۹/۳۹۸	۵۳/۳۸۶	۹۲/۷۸۴
اسرائیل	۹۰	۹۷	۱۸۷	%۰/۵	۸۶۱	۵۴۴	۱/۴۰۵	%۲	۲/۳۳۰	۱/۷۱۰	۴/۰۴۰
حوزه پاسیفیک	۱/۲۴۵	۴/۲۵۲	۵/۴۹۷	%۱۵	۴/۲۲۹	۵/۷۴۸	۹/۹۷۷	%۱۱	۸/۸۱۲	۲۳/۶۹۴	۳۲/۵۰۶
کره جنوبی	۱۹۱	۳۷۳	۵۶۴	%۲	۵۵	۹۰۰	۹۵۵	%۱	۵۲۸	۵/۶۶۰	۶/۱۸۸
چین	۱۴۷	۱۷۲	۳۱۹	%۱	۲۶۸	۱/۳۶۸	۱/۶۳۶	%۲	۲/۸۳۳	۲۱/۲۹۵	۲۴/۱۲۸
آفریقا	۱۴۶	۲۳۳	۳۷۹	%۱	۴۳۰	۳۸۱	۸۱۱	%۱	۳/۹۱۳	۲/۶۱۳	۶/۵۲۶
سایر	۱/۹۴۳	۲/۹۱۵	۴/۸۵۸	%۱۳	۵/۴۴۷	۱۰/۶۰۰	۱۶/۰۴۷	%۱۸	۱۶/۶۱۳	۳۹/۹۶۴	۵۶/۵۷۷
کل	۷/۱۵	۱۸/۷۱	۱۵۸۶	%۱۰۰	۳۶/۰۵۹	۱۵۵۴	۸۷/۶۱۳	%۱۰۰	۱۴۶۹	۱۵۴۵	۱۰/۱۴
	۱۴	۲۲	۳۷	%	۵۱	۵۱	%	۱۵۲	۲۳۶	۳۸۹	%

Source: Turkish Statistical Institute, 2013

۲-۲- سیاست سرمایه‌گذاری داخلی و بیرونی

علت اصلی توسعه اغلب کشورهای تازه صنعتی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی است و ترکیه نیز از آن بهره گرفته است. طبق آمارهای رسمی ترکیه، رشد اقتصادی در سال ۲۰۰۲، ۷/۸ درصد؛ در سال ۲۰۰۳، ۵/۹ درصد و در سال ۲۰۰۴ به ۹/۹ درصد رسید تا سال‌های رونق اقتصادی این کشور پی‌درپی ادامه داشته باشد. در سال ۲۰۰۴ ترکیه در میان کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی بیشترین نرخ رشد اقتصادی را داشت. مهمترین دلیل این افزایش نرخ رشد، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی بود (عدلی، ۱۳۹۵). در این خصوص، ترکیه علاقه زیادی به افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در قلمروی ملی و سرمایه‌گذاری اتباع خود در آن سوی مرزها نشان داده است. این کشور به‌منظور جذابیت بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی، روی سازمانی حساب باز کرده است که مستقیماً مسئول همین کار است: «سازمان پشتیبانی

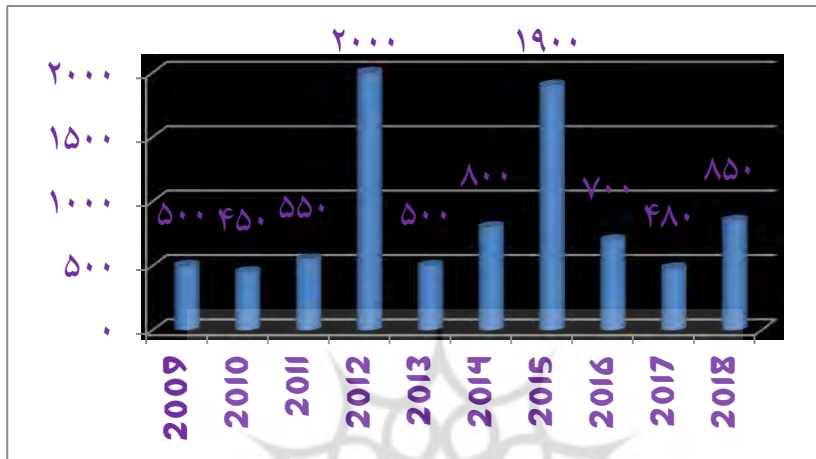
و رشد سرمایه‌گذاری»^۱. این سازمان در بسیاری از کشورهای «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه»^۲ و نیز در دیگر کشورهای با سرمایه فراوان همچون کشورهای حاشیه خلیج فارس، مشاوران فعال دارد و به واسطه الگوی نئولیبرالی که در پیش گرفته است، بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در داخل ترکیه اثر مثبت گذاشته است. بر این اساس، به‌منظور جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمدتاً تلاش می‌شود فرصت‌های داخلی برجسته شوند و مقررات دست‌وپاگیر حذف شوند (Cagaptay, 2014). برای نمونه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۱۹۹۹ از ۸۰۰ میلیون دلار به رکورد ۲۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ رسید (Ulgen, 2010: 9-10).

در همین راستا، ابتکاراتی چون ایجاد «شورای عالی همکاری استراتژیک» با چندین کشور همسایه و برقراری نظام تعرفه ترجیحی با سرزمین‌های ناشناخته از آفریقا گرفته تا مشارکت بلندمدت اقتصادی و سیاسی با آمریکای لاتین و شرق آسیا، زمینه جذب هرچه بیشتر سرمایه به‌سوی ترکیه را مهیا نمود. همین سیاست در مدت کوتاهی باعث شد تا خطوط هوایی ترکیه به ششمین شرکت هواپیمایی مسافربری در جهان تبدیل شود (Unay, 2010: 33). بر این اساس، کسب و کار در ترکیه که به دو دسته عمده «شرکت‌های بین‌المللی استانبول» و «بهرهای آناتولی»^۳ تقسیم می‌شوند رونق گرفت. اولی از نظر تاریخی ستون فقرات اقتصاد ترکیه بوده و تأثیر زیادی بر سیاست داشته است، و دومی از یک سری شرکت‌های کوچک و متوسط واقع در قسمت آسیایی ترکیه تشکیل شده که به‌واسطه همین جذب سرمایه‌های سرگردان خارجی از سال ۲۰۰۹ تقویت شده‌اند (Karads, 2010).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Investment Support and Promotion Agency of Turkey (ISPAT)
2. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)
۳. بهرهای آناتولی (Anadolu Kaplanları) عبارتی است که در چارچوب اقتصاد ترکیه به پدیده رشد اقتصادی سریع شماری از شهرهای این کشور در دهه ۱۹۸۰ میلادی به‌کار می‌رود. از شهرهای ترکیه که تحت تأثیر این رونق اقتصادی قرار گرفتند می‌توان به دنیزلی، غازیینتاب، قیصریه، بورسا، قونیه، و قهرمان‌مرعش اشاره کرد. این عبارت معمولاً برای اشاره به شرکت‌هایی که در شهرهای بزرگ ترکیه (مثل استانبول و آنکارا) قرار دارند به‌کار نمی‌رود.

نمودار شماره ۲: افزایش میزان سرمایه‌گذاری تجاری ترکیه در کشورهای خارجی در بازه زمانی ۱۰ ساله (ارقام بر مبنای میلیون دلار)



Source: Census & Economic Information Center- CEIC (2018)

منحنی میزان سرمایه‌گذاری تجاری ترکیه در کشورهای خارجی در طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ بیانگر آن است که نخست، این میزان در طی سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۵ رشد بیشتری داشته است؛ به‌طوری‌که به حدود دو میلیارد دلار رسید (نمودار ۲). کاهش نسبی آن در سال‌های ۲۰۱۳، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ عمدتاً تحت تأثیر عوامل مختلفی بوده است که عبارتند از: رقابت ژئوپلیتیک ترکیه و روسیه در بحران سوریه، بحران‌های داخلی حزب عدالت و توسعه به‌ویژه کودتای خاموش و به‌دنبال آن تیرگی روابط آمریکا و ترکیه. اما از سال ۲۰۱۵ به بعد، سیاست خارجی ترکیه در حال تحول مثبت تدریجی بوده است و با وجود تمامی فراز و نشیب‌ها، در حوزه اقتصادی و جذب سرمایه موفق بوده است. شاهد مثال آنکه، اکنون بنا به اعتراف «مجله مهندسی ای.ان.آر»^۱ در اگوست ۲۰۱۷، پس از چین (با ۶۵ شرکت)، ترکیه در جایگاه دومین پیمانکار بزرگ جهان (با ۴۶ شرکت معتبر)، بالاتر از آمریکا (با ۴۳ شرکت) قرار گرفته است (Hurriyet Daily. 2017).

1. Magazine Engineering News Record (ENR)

برهمن اساس، در طول بحران اقتصادی جهانی ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹ نیز، عملکرد ترکیه با رشد بالایی همراه بود و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به ۸/۸ درصد در سال ۲۰۱۱ رسید که جایگاه دوم جهان بعد از چین را از آن خود کرد. از طرفی به لطف شرایط مطلوب نقدینگی جهانی، طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳، این کشور مبلغ ۱۲۳ میلیارد دلار جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته است (Tekin & Tekin, 2015: 25-28). به همین دلیل، نیروی شناوری اقتصاد ترکیه را بسیاری به سیاست خارجی آن نسبت می‌دهند. این تفسیرها اغلب با این ادعا حمایت می‌شوند که از سال ۲۰۰۲، تولید ناخالص داخلی این کشور بیش از سه برابر شده و از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ با ۶۴ درصد رشد، در رده‌بندی جهانی، ۷ پله بالاتر از جایگاه آن در سال ۲۰۰۲ قرار گرفت (Rodrik, 2013: 41-61). این روند تاکنون نیز در مسیر تصاعدی قرار دارد.

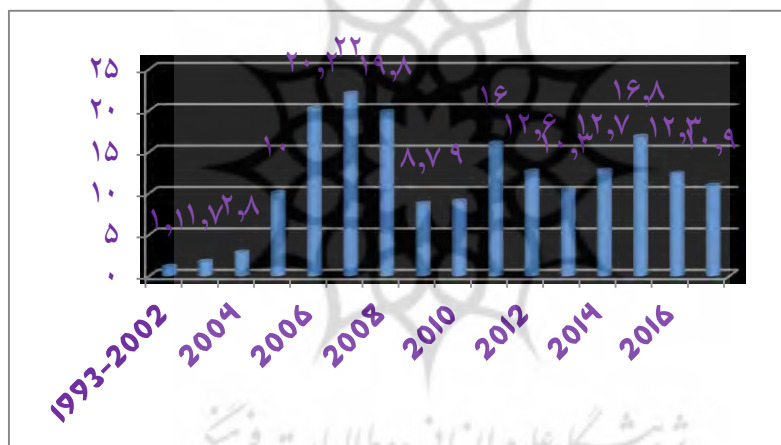
مطالعات نشان می‌دهد یکی از اقداماتی که ترکیه در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی انجام داد، اصلاح قوانین جذب سرمایه‌های خارجی است. در ژوئن سال ۲۰۰۳ قانونی در حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در ترکیه تصویب شد که پژوهشگران امور ترکیه معتقدند این قانون نقطه عطفی در سرمایه‌گذاری خارجی ترکیه محسوب می‌شود. مفاد اصلی این قانون به قرار زیر است:

۱. آزادی سرمایه‌گذاری در ترکیه با حذف تمامی موانع قبلی از قبیل نیاز به تأییدیه رسمی، الزام انتقال سهم از سرمایه‌گذاران خارجی به دولت یا شرکای داخلی، نیاز به داشتن و وارد کردن یک میزان حداقلی از سرمایه.
۲. تضمین مجدد ضمانتنامه‌های موجود در یک بستر شفاف و با ثبات برای سرمایه‌گذاران.
۳. ارتقای سیاست‌های سرمایه‌گذاری خارجی برای هماهنگ شدن آنها با استانداردهای بین‌المللی سرمایه‌گذاری.
۴. تغییر سیاست کنترل بر سرمایه‌گذاری به نحوی که میزان سودآوری آنها و دستیابی سرمایه‌گذاران به سود سرمایه‌شان بیشتر شود.

نکته مهم این است که قبل از وضع این قانون، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم ترکیه از سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ رقم ۱/۱ میلیارد دلار بود. این در حالی است که میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ترکیه فقط در سال ۲۰۰۳ به ۱/۷ میلیارد دلار و این رقم در سال ۲۰۰۵ به رقم ۱۰ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۷، ۲۲ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۸ به میزان ۱۹/۸ میلیارد دلار رسید (نمودار ۲).

لازم به توجه است که میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ترکیه در سال ۲۰۰۹ به علت بحران حاکم بر اقتصاد جهانی کاهش یافت و به میزان ۸/۷ میلیارد دلار رسید، اما در سال ۲۰۱۱ اقتصاد ترکیه جایگاه خود را پیدا نموده و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم این کشور به رقم ۱۶ میلیارد دلار رسید. بر اساس پیش بینی موسسه بین‌المللی تأمین مالی، این رقم در سال ۲۰۱۸، ۵۱،۳ میلیارد دلار خواهد بود. (اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۷). البته دولت ترکیه غیر از سرمایه‌گذاری خارجی، با فروش دارایی‌های غیرمنقول دولتی نیز به تأمین مالی ابرپروژه‌های توسعه‌ای خود اقدام کرد. در نمودار شماره ۳ جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ترکیه را مشاهده می‌کنیم:

نمودار شماره ۳: جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۷ در ترکیه (بر مبنای میلیارد دلار)



Source: CBRT, 2018

۲-۳- توافقات تجارت آزاد و ترجیحی

ترکیه در مسیر تقویت توافقات تجاری آزاد و ترجیحی به‌طور همزمان چند رویکرد دیگر را به پیش برده است که عبارتند از: شکل دادن توافقات فرامنطقه‌ای، مشارکت در نظام چند جانبه منطقه‌ای، ایجاد بنگاه‌های تجاری مشترک و نهایتاً فراهم کردن زمینه‌های توافق در زمینه تجارت آزاد و جلب نظر شرکای بالقوه. توافقات ترکیه در این زمینه بسیار گسترده و فراگیر است و ترکیب منظمی از کشورها را در بر گرفته است که تقریباً

اغلب کشورهای حوزه پیرامونی، آسیای مرکزی و کشورهای اتحادیه اروپا را شامل می‌شود و بر همین اساس همبستگی متقابلی را در زمینه اقتصادی شکل داده است. سیاست‌های ترکیه در زمینه تجارت آزاد و ترجیحی با مشارکت دادن بخش خصوصی همراه بوده است و تلاش‌ها در مسیر توافقاتی بوده است که از تولیدات داخلی حمایت شود. سهم کشور ترکیه به نسبت کشورهای پیرامون در توافقات تجارت آزاد و ترجیحی دو یا چند جانبه بیشتر است؛ این امر باعث افزایش صادرات، رقابت پذیری بازار ترکیه، بهبود تراز تجاری، افزایش سهم در بازار منطقه‌ای و بین‌المللی و کاهش هزینه‌های حمل و نقل ترکیه شده است. ترکیه از سال ۱۹۹۵ قرارداد اتحادیه گمرکی با اتحادیه اروپا منعقد کرده و با کشورهای اکو، افتا، آلبانی، بوسنی، شیلی، کرواسی، مصر، گرجستان، اسرائیل، اردن، مقدونیه، مالزی، موریس، مولداوی، مونته‌نگرو، مراکش، فلسطین، صربستان، کره جنوبی و تونس توافقتنامه تجارت ترجیحی منعقد کرده و برای نیل به این هدف با ۱۳ کشور دیگر نیز در حال مذاکره و تصویب می‌باشد. همچنین در سال ۱۹۹۶ با آمریکا توافقتنامه مالیاتی منعقد کرده است. این توافقات تجاری سوای امتیازاتی است که ترکیه از عضویت در سازمان تجارت جهانی بهره می‌برد (Republic of Trade-Turkey. 25 July 2018).

نگاهی به شرکای اصلی تجاری ترکیه از جهت مقصد صادراتی آن در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد که ۱۵ شریک اصلی تجاری ترکیه به ترتیب عبارتند از چین، آلمان، روسیه، آمریکا، ایتالیا، فرانسه، ایران، سوئیس، کره جنوبی، انگلیس، اسپانیا، هند، امارات، ژاپن و هلند که دو سوم صادرات ترکیه به این کشورها انجام شده است و غیر از چین بقیه به نوعی انواع توافق تجارت ترجیحی دارند (worlds Top Exports. 2018).

در عین حال، ارتباط سنتی آن با بدنه‌های مرکزی، مانند جی بیست، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، و نیز پایبندی به اصول نئولیبرال باعث شده است تصویر مثبتی از اقتصاد رو به شکوفایی ترکیه شکل بگیرد. برای نمونه، ترکیه در نوامبر ۲۰۱۵ که میزبان و ریاست اجلاس سران «جی بیست» را بر عهده داشت به روشنی و از موضع قدرت، خواهان مذاکرات تجاری پیشرفته در جهت حمایت از رشد آزادسازی (لیبرالیزاسیون) در سراسر جهان شد. به این معنا، ترکیه به شدت از دورنمای بازار مصرفی‌اش راضی است و به علت ورودش به زنجیره ارزش اروپا و نیز به علت رقابت‌پذیری در بازارهای خاورمیانه، بالکان، قفقاز و آسیای مرکزی، این روند در سرلوحه سیاست خارجی دولت اردوغان به صورت خلل‌ناپذیری ادامه دارد.

۲-۴- توانایی نسبی رابطه هماهنگ با همه

نخبگان ترک معتقدند که موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه می‌تواند کمکها و فرصت‌های سرشار اقتصادی را به وجود آورد. (Bağcı. 2009: 4). با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه برخلاف گفتمان‌های گذشته سیاست خارجی ترکیه، توسعه اقتصادی در اولویت اهداف این کشور قرار گرفت. اصول شش‌گانه دیپلماسی اقتصادی را می‌توان در اندیشه‌های احمد داود اغلو به‌عنوان معمار سیاست خارجی جدید ترکیه توصیف کرد. داود اغلو در کتاب عمق/استراتژیک بر اهمیت «چندجانبه‌گرایی» در سیاست خارجی تأکید می‌کند. از نظر وی برای دستیابی به یک راهبرد بلندمدت لازم است هم «عمق تاریخی» که گذشته، امروز و آینده را به هم پیوند می‌دهد و هم «عمق جغرافیایی» یعنی به هم پیوستگی ابعاد داخلی، منطقه‌ای و جهانی در نظر گرفته شوند (Davoutoglu. 2011). از نظر داود اغلو لازم است ترکیه برای خلق بازارهای تجاری و اقتصادی جدید هماهنگی را میان سیاست غرب‌محور و شرق‌محور خود ایجاد کند. وی با استفاده از استعاره «کمان و پیکان» معتقد است، به‌میزان گسترش و نفوذ ترکیه در آسیا (خاورمیانه و آسیای میانه و قفقاز)، قدرت بیشتری در مسائل اتحادیه اروپا خواهد داشت (Onis. 2009). چنین برداشتی از جایگاه ترکیه در عرصه بین‌المللی از سوی رهبران حزب عدالت و توسعه بدین معنا است که برخلاف گذشته، ترکیه دیگر یک دولت کاملاً غربی و یا کاملاً اسلامی تصور نشده و بیانگر تعارضات هویتی جامعه ترکیه است.

این کشور هم‌زمان تلاش کرده است تا روابط سیاسی و اقتصادی خود را با روسیه، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، کشورهای آفریقا، آمریکای لاتین، اتحادیه اروپا، آمریکا و حتی اسرائیل نیز گسترش دهد. سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه در حقیقت بیانگر نگاهی ترکیبی و توجه به پتانسیل‌های مختلف کشورهای مختلف است. آنها هم‌زمان با دفاع از مردم فلسطین از یکسو رابطه‌ای استراتژیک با آمریکا و پراگماتیست با اسرائیل داشته و از سوی دیگر روابط خود با روسیه و ایران را گسترش داده‌اند و با عدول از نگاه ایدئولوژیک، فضای مناسبی را در روابط سیاسی و اقتصادی خود سامان داده‌اند، تا آنجا که کثرت مبدا و مقصد هواپیماهای ورودی و خروجی در مانیتورهای فرودگاه آتاتورک و همچنین رفت و آمد مردم از تمام جهان در این محل، ویترونی مهیج از کنشگران مختلف منطقه‌ای و جهانی است که ترکیه با آنها در ارتباط است.

۲-۵- تعامل مثبت با نهادهای تجاری - مالی بین‌المللی

اعتقاد بر این است که دولت ترکیه با برنامه‌ریزی مناسب در سه حوزه سیاست‌گذاری کلان اقتصادی، سیاست‌گذاری ارزی و سیاست‌گذاری پولی آهنگ تدریجی رشد اقتصادی را از سال ۲۰۰۱ به بعد تجربه کرده است. در این فرایند، نقش مثبت بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و اتحادیه اروپا، قابل توجه بوده است. اگرچه دولت ترکیه به علت انباشت حجم بدهی با تهدید نهادهای بین‌المللی مبنی بر عدم ارائه وام مواجه شده بود، اما روابط بین‌المللی وزیرداری وقت ترکیه، یعنی کمال درویش، باعث شد که این کشور ضمن دریافت وام ۱۶ میلیارد دلاری از بانک جهانی، تحت هدایت برنامه اصلاحی نهادهای بین‌المللی به سرعت از وضعیت ناگوار سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ فاصله بگیرد و در سایه حمایت‌های سیاسی «بولنت اجویت» و روابط بین‌المللی که در زمان فعالیت در بانک جهانی کسب کرده بود، در یک برنامه اصلاحی سه ساله، اقتصاد بیمار ترکیه را به محدوده سلامت بازگرداند. کمال درویش که در سال ۲۰۰۱، در کمتر از ۹ ماه توانست نرخ تورم ۷۰ درصدی ترکیه را به محدوده یک‌رقمی برساند. همچنین با تکیه بر قدرت چانه‌زنی خود توانست برای نخستین بار در ترکیه احزاب چپ و میانه‌رو را در جهت حل پازل اقتصادی ترکیه همسو کند (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶). حزب عدالت و توسعه از طریق اعتبار ۲۳/۸ میلیارد دلاری صندوق بین‌المللی پول طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۲ و ۱/۷ میلیارد دلاری در سال ۲۰۰۳ توانست جان تازه‌ای به اقتصاد خود ببخشد (Yeldan, 2015: 6-9) و با سرعت بخشیدن به خصوصی‌سازی بانکها، صنایع و بخش‌های خدمات دولتی، محدود و کنترل نمودن مخارج عمومی برای جلوگیری از کسری بودجه و کنترل دستمزدها و اصلاح سیستم پولی و مالی و کاهش نرخ تورم و نرخ بهره، ثبات نسبی اقتصادی در این کشور برقرار شد و متعاقب آن رشد اقتصادی افزایش یافت. کمال درویش دولت ترکیه را به‌مثابه یک آدم فوق‌العاده چاقی می‌دید که در عین کم‌حرکی شدید، بیشتر منابع را صرف سیرکردن خود بدون کارایی می‌نماید. او دقیقاً روی این نقطه حساس دست گذاشت و با اجرای سیاست‌های ریاضت اقتصادی به کاهش هزینه‌های دولت مبادرت کرد؛ مشکلی که دولت ایران نیز شدیداً مبتلا به آن است.

تفاوت اعتبارات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی با سایر موسسات مالی این است که این دو نهاد برای پرداخت خود، دولت وام‌گیرنده را ملزم به اصلاحات اقتصادی و هزینه‌کرد در پروژه‌های تعریف شده می‌نمایند که ترکیه نیز از آن مستثنی نبود.

مضافاً، کمال درویش، سال‌ها در بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اشتغال داشت و رهنمودهای اصلاحی آنها را به‌خوبی می‌دانست و سعی کرد آنها را در ترکیه اجرا کند. (Özdemir, 2009: 16). سازمان تجارت جهانی و اتحادیه اروپا هم با الزام ترکیه به اجرای استانداردهای اقتصادی، به رشد تجارت ترکیه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک شایانی کردند. ترکیه در سال ۱۹۹۵ عضو سازمان تجارت جهانی شد و این فرصت طلایی برای گشایش بازارهای بدون دیوار تعرفه ای برای ترکیه و همچنین بالا رفتن کیفیت محصولات ترکی در رقابت کشنده با سایر رقبای عضو سازمان تجارت جهانی بود. روابط ویژه با اتحادیه اروپا نیز منجر به انعقاد توافق اتحادیه گمرکی با این سازمان و تعامل حدود ۴۰ درصد تجاری با این اتحادیه شده است. امروزه در سرتاسر اروپا استفاده از محصولات با کیفیت ترکی خصوصاً البسه و در عین حال ارزان، جا افتاده است. هر چند عضویت در سازمان تجارت جهانی و روابط ویژه با اتحادیه اروپا حاصل دیپلماسی حزب عدالت و توسعه نبود ولی این حزب به‌خوبی از میوه‌های آن برای توسعه اقتصادی بهره برد.

لذا با وجود آنکه ترکیه در سال ۲۰۱۸ مدعی شد که تمام بدهی‌های خود به صندوق بین‌المللی پول را تسویه کرده و دفتر این موسسه را در آنکارا بسته است ولی تحولات اخیر نمی‌تواند منکر نقش سازنده این نهادها در فرایند ثبات و جهش اقتصادی ترکیه از سال ۲۰۰۱ به بعد باشد.

۲-۶- ایجاد تصویر مثبت

با به‌قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، توجه بیشتر به منابع قدرت‌نرم ترکیه مورد تأکید رهبران این حزب قرار گرفت. سیاست اعتدال در عرصه داخلی و بین‌المللی، مدرنیسم اسلامی، تعامل مثبت با سایر دول اعم از غرب، شرق، اسلامی، یهود و غیره، اهمیت به رأی مردم و اصلاحات تدریجی از مهم‌ترین شاخصه‌های قدرت‌نرم ترکیه در دوره آک‌پارتی محسوب می‌شود.

یکی از مولفه‌های قدرت‌نرم ترکیه که در ارتقای ذهنیت مثبت از آن کمک کرده است، حفظ فرهنگ غنی و میراث متکثر فرهنگی این کشور (بناهای تاریخی گسترده به‌جامانده از دوره امپراتوری بیزانس و دوره اسلامی) است که توانسته تصویری مثبت از این کشور در اذهان عمومی جهانی ایجاد کند. این تصویر مثبت در کنار زیر ساخت‌های مناسب اقتصادی، موجب گشته تا هر ساله میلیون‌ها توریست به این کشور جذب و

میلیارد ها دلار به این کشور وارد شود. بر اساس آمار سازمان جهانی گردشگری، این کشور از سال ۲۰۰۵ تاکنون جز ۱۰ کشور برتر جهان از لحاظ جذب توریست می‌باشد. ترکیه در سال ۲۰۰۷ تعداد بیش از ۲۷ میلیون نفر توریست داشته که درآمدی بالغ بر ۱۸۰۵ میلیارد دلار ایجاد کرده است. درآمد ترکیه از صنعت توریسم در سال ۲۰۱۳ حدود ۲۶ میلیارد دلار بوده است. در سال ۲۰۱۸ تعداد ۴۰ میلیون خارجی به ترکیه سفر توریستی داشتند که بالغ بر ۲۹/۵ میلیارد دلار برای این کشور درآمد داشت (France, 24, 2019). ترکیه بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰۲۳، بنا دارد تا درآمد حاصل از صنعت توریسم خود را به ۵۰ میلیارد دلار (در دو برابر میزان سال ۲۰۱۳) افزایش دهد و ۵۰ میلیون گردشگر جذب کند. بر همین اساس در سال ۲۰۱۵ مخارج مستقیم بخش گردشگری این کشور حدود ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل داده است. (اقتصاد نیوز، ۱۳۹۷).

همچنین مواضع سیاسی حق‌جویانه اردوغان در خصوص فلسطین، نفی کودتا در مصر، شهید خواندن محمد مرسی، تقبیح و پیگیری قتل جمال خاشقجی و غیره، همگی بر قدرت‌نرم ترکیه افزوده است؛ هر چند ممکن است تبعات منفی کوتاه مدت برای این کشور داشته باشد.

همچنین تولید کالاهای برند، مرغوب و با کیفیت نیز در ایجاد این تصویر ذهنی مثبت موثر بوده اند. صنعت نساجی و پوشاک مرغوب و با کیفیت در ترکیه نظیر چرم، موجب شهرت و اعتبار بین‌المللی برای این کشور شده است. ترویج فعالیت بخش خصوصی، تسریع یکپارچگی با بازارهای جهانی، و تحقق اصلاحات مشهود در حوزه اقتصادی - تجاری از طریق سرمایه‌گذاری قابل توجه در خدمات عمومی در حوزه‌های کلیدی مانند آموزش، سلامت و حمل و نقل، و نهایتاً ساخت سریال و برنامه‌های مختلف (Ünay, 2010: 32-33)، سهم به‌سزایی در بهبود تصویر مثبت از ترکیه ایفا کرده است. ایجاد تصویر مثبت با سایر اقدامات اقتصادی ترکیه در بخش داخلی در تعامل و تناسب بوده و توانسته است اغلب کنشگران بزرگ اقتصادی خارجی را نسبت به گسترش سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در سطوح مختلف ترغیب کند.

نتیجه‌گیری

توسعه فقط پیشران اقتصادی نمی‌خواهد، بلکه پیشران نهادی ممکن است در مواردی مهم‌تر از پیشران اقتصادی باشد، تزی که اقتصاددانان نهادگرا ارائه می‌کنند. یکی از

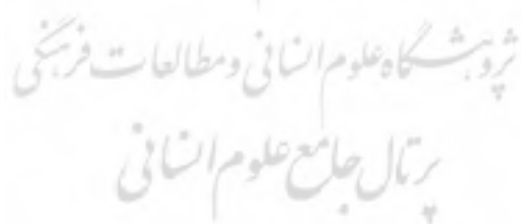
پیشران‌های نهادی، در پیش گرفتن سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی همسو با توسعه است. یکی از راهبردهای اساسی برای کشورها (به‌ویژه در حال توسعه) بهره‌گیری از ابزار و سیاست دولت توسعه‌گرا است که می‌تواند ریل و پارادایم تحول صنعتی و توسعه اقتصادی را با ارتباط بین اقتصاد داخلی و خارجی به حرکت درآورد و شکست بازار را به حداقل برساند. هر چند می‌توان مؤلفه‌های متعددی را برای دولت توسعه‌گرا معرفی کرد، ولی با لحاظ کردن دو بخش داخلی و خارجی می‌توان به ترکیبی از متغیرها دست یافت که عموماً ماهیتی مرتبط با اقتصاد سیاسی دارند. در این راستا شش مؤلفه به‌عنوان شاخص‌های پیوند دهنده اقتصاد داخلی و محیط خارجی مطرح شد که عبارتند از: رشد تجارت مبتنی بر استراتژی توسعه صادرات، سیاست جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پیمانکاری خارجی، توافقات تجارت آزاد و ترجیحی، رابطه هماهنگ با همه، تعامل مثبت با نهادهای اقتصادی بین‌المللی و ایجاد تصویر مثبت. دولت توسعه‌گرا شاخص‌های مذکور را در دستور کار سیاست خارجی قرار داده و بین آنها و نهادهای داخلی (اعم از پارلمان و گروه‌های سیاسی و اقتصادی) تعامل برقرار می‌کند. نقش نخبگان، نوع سیاست‌گذاری داخلی، بورکراسی کارا و توانمند، استقلال نخبگان برای تغییرات اساسی برخی از شاخص‌های دولت توسعه‌گرا می‌باشند و بین آنها و روابط اقتصاد خارجی تعاملی دوسویه وجود دارد.

توسعه اقتصادی و سیاست تنش صفر با همسایگان موجب شد تا ترکیه روابط خود با اروپا، یونان، ارمنستان، قبرس، عراق، روسیه، آمریکا، ایران، عربستان، سوریه و اسرائیل را به‌طور همزمان افزایش دهد و بتواند از منافع تجاری آن استفاده کند. ترکیه علیرغم بسیاری از آسیب‌ها و چالش‌های داخلی، توانسته است با استفاده از خطوط اقدام شش‌گانه فوق در دیپلماسی اقتصادی، به‌میزان بسیاری تأثیر مثبت بر فرآیند توسعه اقتصادی خود بر جای بگذارد.

دیپلماسی اقتصادی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه، از دید تحلیل‌گران اقتصادی به عصر طلایی اقتصاد ترکیه، نام‌گذاری شده است و نشان دهنده توسعه اقتصادی نسبتاً مطلوب این کشور بوده است؛ چراکه شاخص‌های اقتصادی نظیر افزایش نرخ رشد، کاهش تورم، کاهش نرخ بیکاری و افزایش سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را به نمایش می‌گذارد. حزب عدالت و توسعه توانست بین اقتصاد داخلی ترکیه و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی تعامل ایجاد کند و این مهم بیش از هر چیز برگرفته از سه میراث و اندیشه متصل بین اقتصاد و سیاست بود که عبارتند از: اوزال (به‌ویژه در

زمینه خصوصی‌سازی در ترکیه و اجرای سیاست‌های باز اقتصادی، کمال درویش (با دو دهه فعالیت در بانک جهانی و وزیر دارائی ترکیه در سال ۲۰۰۱) و داود اغلو (معمار بازگشت به اقتصاد پیرامونی).

در پایان باید گفت، خیزش جهان عرب از سال ۲۰۱۱ و سیاست‌های چالشی آنکارا موجب افزایش تنش بین ترکیه از یک طرف و ایران، سوریه، عراق، روسیه، آمریکا و اروپا شده است. از این‌رو، فرآیند توسعه اقتصادی ترکیه نیز با تنزل شاخص‌های اقتصادی نظیر کاهش نرخ رشد، افزایش نرخ بیکاری، کاهش قدرت خرید و کاهش نیاز به مواد اولیه صنعتی و کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کاهش نرخ رشد صنعت توریسم، و کاهش ارزش پول ملی در بازه زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ مواجه شد. بنابراین هر چه سیاست خارجی ترکیه به سمت تعامل‌گرایی و کاربست موثر دیپلماسی اقتصادی حرکت کند بازتاب آن در اقتصاد آن کشور مثبت است. به‌رحال خیزش اقتصادی ترکیه در هزاره سوم معلول عوامل مختلف داخلی و بین‌المللی است که دیپلماسی اقتصادی نقش ریل قطار توسعه ترکیه را داشته است.



منابع

- آذرمند، حمید. (۱۳۸۵). «نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی». *فصلنامه روند*. شماره ۵۱ و ۵۰. ۱۶۵-۱۱۹.
- اقتصاد آنلاین. (۱۳۹۷). «ترکیه ۲۱ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کرد». در: <http://www.eghtesadonline.com/fa/tiny/news-294133>
- اوانز، پیتر (۱۳۸۲). *توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی*. ترجمه: عباس زندباف. تهران: طرح نو.
- حسنوند، مظفر و دیگران. (۱۳۹۶). «دولت پهلوی اول بر پایه نظریات نهادگرایی توسعه-*سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم انسانی*. دانشگاه شیراز.
- خبرگزاری آنا تولی. (۲۰۱۷). «سرمایه‌گذاری و صادرات دو عنصر اصلی رشد اقتصادی ترکیه در سال ۲۰۱۷». ۲۹ مارس. در: <https://www.aa.com.tr/fa/2017/1102912>.
- دنیای اقتصاد. (۱۳۹۶). «چهارمعمار اقتصادی آسیا». شماره ۴۰۶۷. در: <https://donya-e-eqtasad.com/64/1104303>
- دنیای اقتصاد. (۱۳۹۷). «چنبره بدهی سنگین خارجی بر اقتصاد ترکیه». شماره ۴۶۸۱. در: <https://donya-e-eqtasad.com>
- عجم اوغلو، دارون و رابینسون، جمیز ای. (۱۳۹۸). *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند: ریشه‌های قدرت، شکوفایی و فقر*. ترجمه: محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی‌پور. چاپ دهم. تهران: نشر روزنه.
- عدلی، محمد. (۱۳۹۵). «اقتصاد ترکیه از چه مسیری به توسعه رسید؟». در *پایگاه خبری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران*. <http://otaghiranonline.ir/news/1942>
- کیوانی امینه، محمد. (۱۳۸۵). «آشنایی با مکتب نهادگرایی». *فصلنامه اندیشه صادق*. شماره ۲۲. ۹۱-۱۲۰.
- لارسون، توماس و اسکیدمور، دیوید. (۱۳۸۷). *اقتصاد سیاسی بین‌الملل، تلاش برای کسب قدرت و ثروت*. ترجمه: احمد ساعی و مهدی تقوی. تهران: نشر قومس.
- لفت‌ویچ، آدریان. (۱۳۸۷). *دموکراسی و توسعه*. ترجمه: احمد علی‌قلیان و افشین خاکباز. تهران: طرح‌نو.

References

- Altunisik, M. Benli & Tur, O. (2005). Turkey: Challenges of Continuity and Change. *Middle East Technical University*, 33, 158 – 161. doi: 104324/9780203644126.
- Alici, A. & Tur, O. (2003, September). Foreign Direct Investment, Exports and Output Growth of Turkey: Causality Analysis. Paper to be presented at the European Trade Study Group (ETSG), on: www.etsg.org/ETSG2003/paper/alici.
- Amsden, Alice H. (2001). *The Rise of the Rest: challenges to the west from Late-Industrializing Economies*. New York: Oxford University Press.
- Arrighi, Giovanni. (1985). *Semi-peripheral Development: The Politics of Southern Europe in the Twentieth Century*. London: SAGE Publication.
- Bagcı, H. (2009). Changing Geopolitics and Turkish Foreign Policy *Internationales Institut Liberale Politik Wien* (1030), Custozzagasse 8/2, ISBN 978-3-902595-30-0
- Bank, A & Karadag, R. (2012). *The Political Economy of Regional Power: Turkey under the AKP*, GIGA Working Paper, (204).
- Baranay, P. (2009). Modern Economic Diplomacy. *Diplomatic Economic Club*. On: http://www.dec.lv/mi/Baranay_Pavol_engl.pdf.
- Cagaptay, S. (2013). Defining Turkish Power: Turkey as a Rising Power Embedded in the Western International System. *Turkish Studies*, 14(4), 797 – 811.
- Cagaptay, Soner. (2014, Agu. 14). After Erdogan, Turkey's Future Will Be Liberal. *New York Times*, Retrieved on <https://www.nytimes.com/2014/08/15/opinion/after-erdogan-turkeys-future-will-be-liberal.html>
- Census and Economic Information Center- CEIC. (2018). Turkey, on <https://www.ceicdata.com/en/indicator/turkey/gdp-deflator-growth>
- Davutoglu, A. (2009). Turkish Foreign Policy and the EU in 2010. *Turkish Policy Quarterly*, 8(3), 11 – 17.
- Davutoglu, A. (2013). Turkey's humanitarian diplomacy: objectives, challenges and prospects. *Nationalities Papers*, 41(6), 865 – 870.
- Eicher, Theo & Till Schreiber. (2010). Institutions and Growth: Time Series Evidence from Natural Experiments. *Working Papers UWEC-2007-15-P, University of Washington*, Department of Economics.

- Feder, G. (1982). On Exports and Economic Growth (English). *Journal of Development Economics*, 12(1-2), 59 – 73.
- France 24(2019). Tourist numbers to Turkey surge in 2018: data. on <https://www.france24.com/en/20190131-tourist-numbers-turkey-surge-2018-data>
- Gerschenkron, A. (1962). *Economic Backwardness in Historical Perspective: A Book of Essays*. New York: Belknap Press.
- Gilpin, R. (1987). *The Political Economy of International Relations*. New Jersey: Princeton University Press.
- Hurriet. (2019). Turkey's foreign trade deficit shrank nearly 25 percent last year. on: <http://www.hurriyetdailynews.com/turkeys-foreign-trade-deficit-shrank-nearly-25-percent-last-year-140912>
- Hurriyet. (2017, August 18). Turkish contractors rank second in world for foreign projects for 10th straight year. Retrieved on <http://www.hurriyetdailynews.com/turkish-contractors-rank-second-in-world-for-foreign-projects-for-10th-straight-year-116920>
- Karadag, Roy. (2010). Neoliberal Restructuring in Turkey: From State to Oligarchic Capitalism. *MPIfG Discussion Paper*, (7-10).
- Karagoz, A. (2017). *An Econometric Analysis for Turkey and the European Union Customs Union* (Master of Science of Thesis). State University, North Carolina.
- Kardas, S. (2010). Turkey: Redrawing the Middle East Map Or Building Sandcastles?. *Middle East Policy*, 17(1). Retrieved on <https://doi.org/10.1111/j.145-4967.2010.00430.x>.
- Kirisci, K. (2009). The Transformation of Turkish Foreign Policy: The Rise of the Trading State. *New Perspectives on Turkey*, (40), 29–56.
- Kiriscl, K. (2013). Turkey and the Transatlantic Trade and Investment Partnership: Boosting the Model Partnership with the United State. *Center on the United State and Europe at Brookings*, (2).
- Kumar, S. & Corbridge S. Surname. (2002). Programmed to Fail? Development Projects and the Politics of Participation. *The Journal of Development Studie*, 39(2), 73 – 103.

- Loy, C. (2013, December). The Rise of the Semi-periphery: A Physical Perspective on the Global Division of Labour. Material Flow analysis of Global Trade Flows(1970-2005). *Social Ecology Working Paper*, Retrived on:
<https://www.aau.at/wp-content/uploads/2016/11/working-paper-147-web.pdf>
- Onis, Z. (2012). The Triumph of Conservative Globalism: The Political Economy of the AKP Era. *Turkish Studies*, 13 (2).
- Özdemir, Y. (2009, January 28-30). Does IMF Help Really Help? The Recovery of Argentina and Turkey after the 2001 Financial Crises. Paper prepared for the 3rd *Annual Conference on The Political Economy of International Organizations (PEIO)*, Washington, DC & submission for the special issue of the Review of International Organizations.
- Republic of Trade-Turkey*. (25 July 2018).
- Rosecrance, Richard. (1986). *the Rise of the Trading State: Commerce and Conquest in the Modern World*. New York: Basic Books.
- Rodrik, D. (2013, June). How well did the Turkish Economy do Over the Last Decade?. Dani Rodrik's Weblog, Retrived from
http://rodrik.typepad.com/dani_rodriks_weblog/2013/06/how-well-did-the-turkisheconomy-do-over-the-lastdecade.html
- Sonmez, Y., Scott, M. & Jonathan, P. (2007, June). Turkey and Its Preferential Trade Agreements (PTAs). Paper prepared for *the 10th Global Economic Analysis Conference*, Assessing the Foundations of Global Economic Analysis, Purdue University, West Lafayette, IN, USA.
- Tekin, B. & Tekin, R.B. (2015). *The Limits, Dilemmas, and Paradoxes of Turkish Foreign Policy: A Political Economy Perspective*. LSEE-Research on South Eastern Europe.
- TUIK-Turkish Statistical Institute. (2013). *Main Statistics*. on
<http://www.turkstat.gov.tr>
- Ulgen, F. (2010). Crise Systemique et Regulation Financiere. *MPRA*, 35466.
- Ünay, Sadık. (2010). Economic Diplomacy for Competitiveness: Globalization and Turkey's New Foreign Policy. *Perceptions*, 15(3-4), 21-47.
- Vijayaraghavan, Maya & Ward, William A. (2001). Institutions and Economic Growth: Empirical Evidence for a Cross-National Analysis. *Working Papers 112952, Clemson University*, Center for International Trade.

- Wallerstein, I. (1998). *Utopistics: Or, Historical Choices of the Twenty-first Century*. New York: New Press
- World Bank Report. (2017). World Development Indicators. on <http://databank.worldbank.org/data/reports.aspx?source=2&series=SI.DS.T.04TH.20&country=T> UR.
- World Bank Report. (2013). World Development Indicators-Turkey. on <http://databank.worldbank.org>
- World Top Exports. (2018). Turkey's Top Trading Partners. <http://www.worldstopexports.com/turkeys-top-import-partners/>
- Yelden, A. Erinç and Burcu Ünüvar. (2015). An Assessment of the Turkish Economy in the AKP Era. *Research and Policy on Turkey*, on <http://dx.doi.org/10.1080/23760818.2015.1099779>





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی